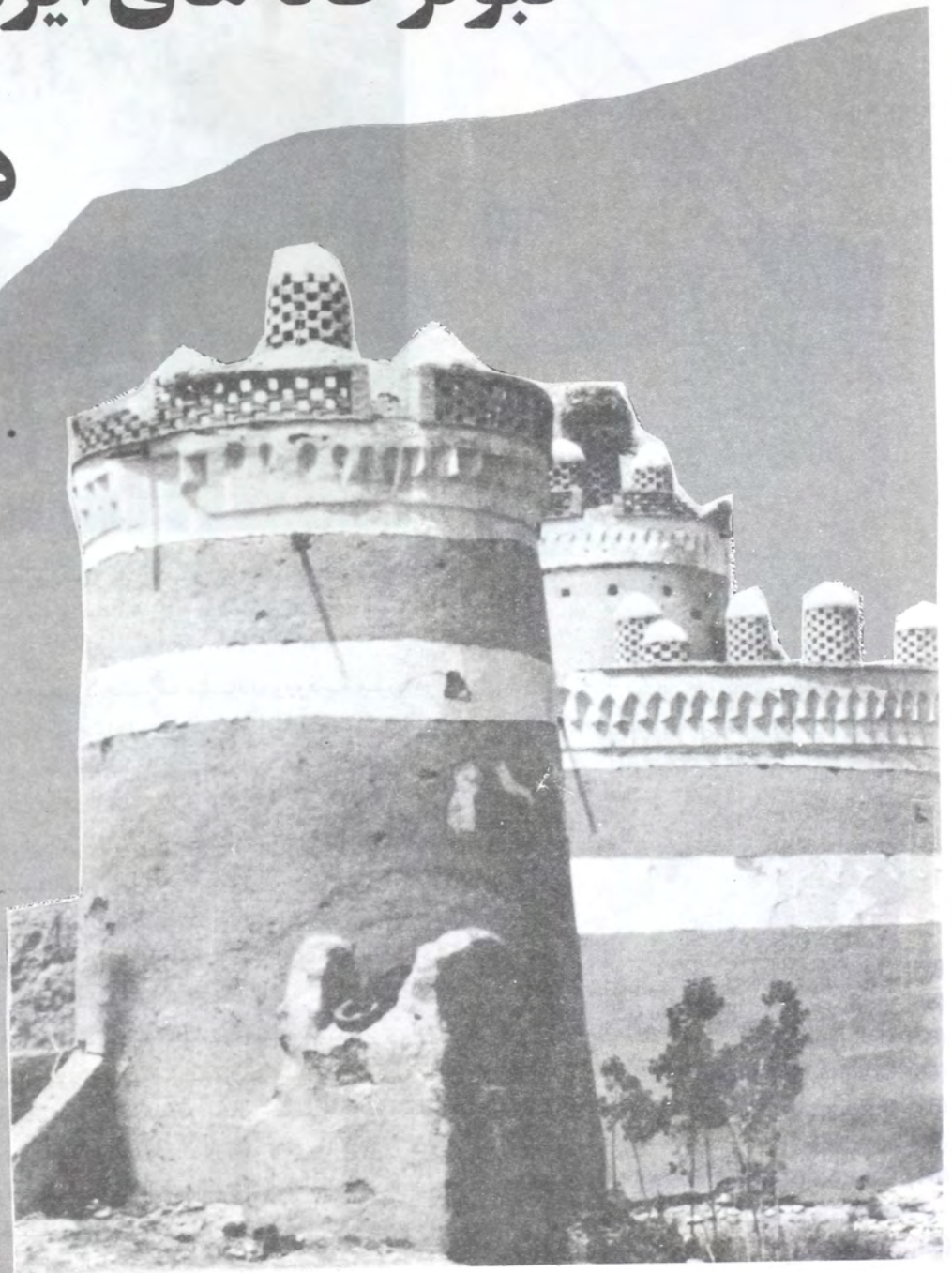


کبوترخانه‌های ایران،

درهم آمیزی

زیبایی



دکتر مرتضی فرهادی

پس از کارهای ایران که یکی از شگفت‌آورترین دست ساخته‌های تاریخی بشر بر روی این کرهٔ خاکی هستند، کبوترخانه‌های ایران دومین و مهمتری تأسیسات کشاورزی در چند قرن گذشته به شمار می‌رفته‌اند.

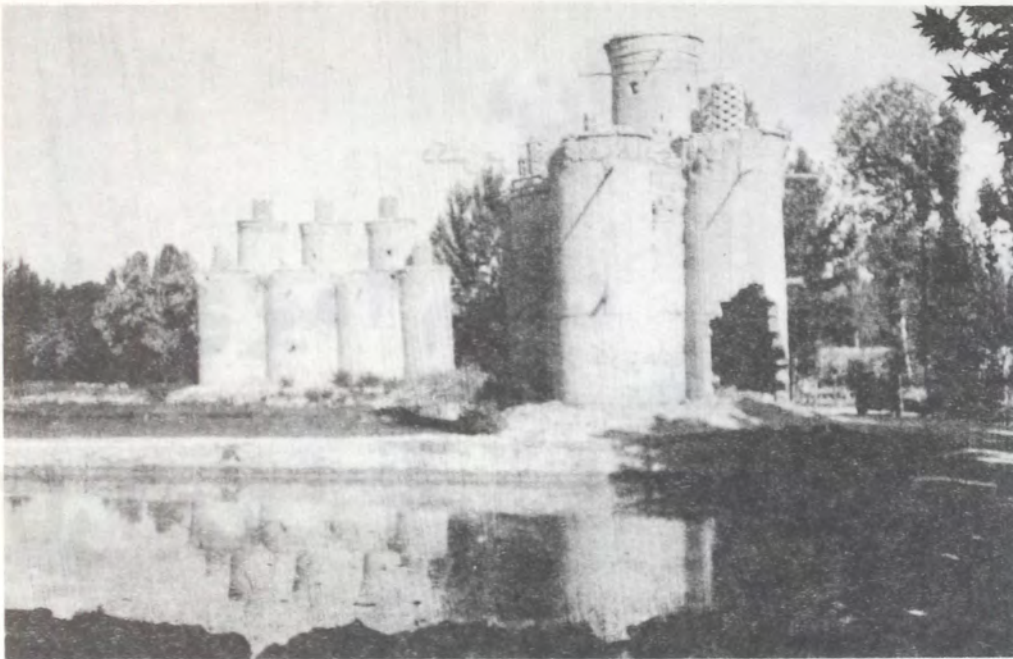
کبوترخانه‌ها که هنوز هم قلمرو دقیق آنها ناشناخته مانده، از نظر شمار، وسعت، عظمت، پیچیدگی، نحوهٔ ساخت و ویژگی‌های معماری در جهان بی‌نظیرند. این کارخانه‌های بی‌آوازه مرغوب‌ترین کود شناخته شده، اگرچه نظر غالب سفرنامه نویسان و سیاحانی که از اصفهان و پیرامون آن گذشته‌اند را به خود جلب کرده است از قدیم‌الایام تاکنون به طرز باور نکردنی از چشم پژوهشگران ایرانی حتی آنان که اختصاصاً دربارهٔ اصفهان کتاب نوشته‌اند مخفی مانده است. اهمیت کبوترخانه‌ها در اقتصاد کشاورزی ایران چنان بوده که غازان خان مغول در کنار سایر اقدامات خود برای احیای کشاورزی ایران فرامینی را دربارهٔ آنها صادر کرده است. با توجه به ارزش اقتصادی و مترلی که کبوترخانه‌ها داشته‌اند، در عصر صفوی اجازهٔ ساخت آنها به ایرانیان غیر شیعه داده نمی‌شد.

در ساخت کبوترخانه‌ها از علوم و فنون زیادی منجمله ریاضیات و هندسه، فیزیک، جانورشناسی و روان‌شناسی جانوری و آب و هواشناسی استفاده می‌شده، در کبوترخانه‌ها شیوهٔ به کارگیری این علوم و فنون نیز شگفت‌انگیز است.

از آنجا که کبوترخانه‌های ایران، با وجود اهمیت تاریخی، اقتصادی، هنری و فرهنگی‌ای که دارند، متأسفانه به دلایل گوناگون به سرعت در حال نابودی و ویرانی‌اند، این نوشتار می‌کوشد تا با معرفی جنبه‌های مختلف کبوترخانه‌ها در خاتمه پیشنهاداتی را نیز برای حفظ و احیاء آخرین بازمانده‌های موجود مطرح سازد.

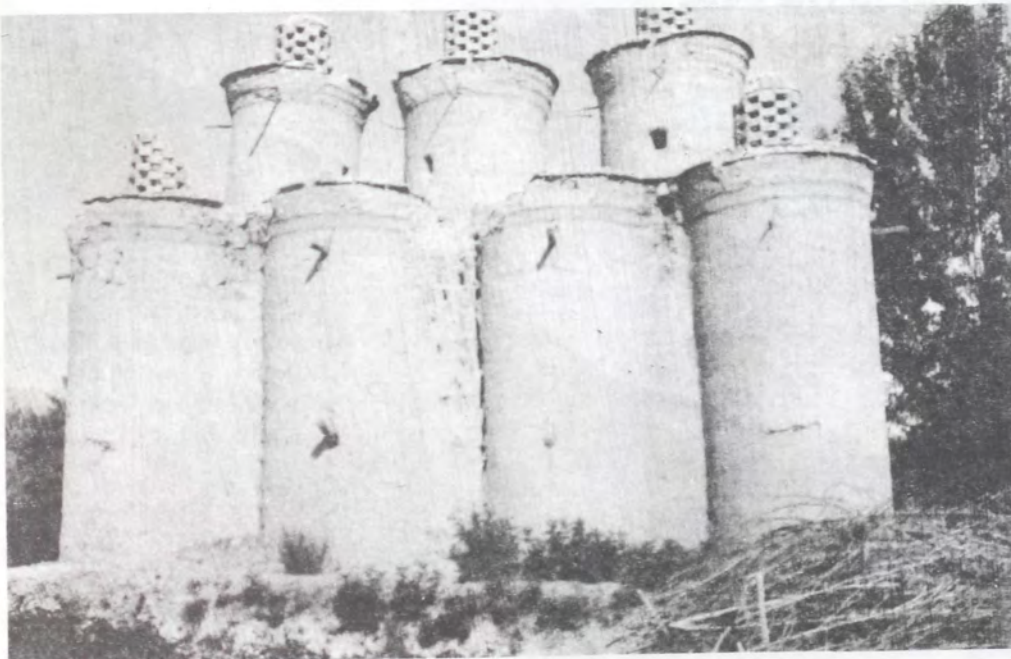
و کار آیی

«من بر این باورم، ایران کشوری است که بهترین کبوترخانه‌های جهان در آن ساخته می‌شود...»
ژان شاردن



- کبوترخانه یازده قلو در روستای اجرد اصفهان

- دو برج چند قلو در اجگرد اصفهان



پس از مسأله، «کاریز»های ایرانی که یکی از شگفت‌آورترین دست ساخته‌های بشری بر روی این کره خاکی به شمار می‌رود و سزاوار است اگر به آنها برتر از برخی عجایب هفت گانه عالم نگاه شود؛ و متأسفانه برای اغلب خوانندگان ایرانی و در کل جامعه ایرانی ناشناخته مانده‌اند، کبوترخانه‌های ایران مهمترین تأسیسات کشاورزی ایران در چند قرن گذشته بوده‌اند.

کبوترخانه‌ها که هنوز هم قلمرو دقیق آنها در کشور پهناور ما به خوبی شناخته نشده است، حداقل از کناره‌های شرقی دریاچه ارومیه تا کویر یزد و میبد و برخی روستاهای نظنز و کاشان (۱) و به روایتی در جنوب خراسان و طبس (۲) (*) در گوشه و کنار شهرها و آبادی‌های ایران وجود داشته و در برخی مناطق هنوز نیز وجود دارند. گرچه کبوترخانه‌ها در شهر نیز با اندک تفاوتی ساخته می‌شدند ولی از نظر ساخت و کارکرد از جالب‌ترین وجوه معماری روستایی ایران به شمار می‌آیند.

کبوترخانه‌های ایران از نظر تعداد، بزرگی، پیچیدگی و تکامل معماری در جهان بی‌نظیرند. با تمام این اوصاف، این بناهای شگفت‌آور و کارخانه‌های ساخت مرغوبترین کود شناخته شده در جهان که نظر اغلب سفرنامه‌نویسان و سیاحانی که از اصفهان و نجف‌آباد و قمشه (شهرضا) گذشته‌اند را به خود معطوف داشته است به طرز باور نکردنی از چشم پژوهشگران و نویسندگان ایرانی از قدیم‌الایام تاکنون، حتی آنها که اختصاصاً درباره اصفهان کتاب نوشته‌اند، مخفی مانده است (۳) حتی در کتاب‌هایی که ظاهراً ویژگی‌های منطقه‌ای اصفهان را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند (۴) و یا سرشماری‌های کشاورزی (۵) که قاعدتاً باید نسبت به چنین تأسیسات و مواردی حساس باشند، این اغماض به چشم می‌خورد. استثناء بر این قاعده، کتاب تاریخ

تمهیدات ویژه‌ای به کار رفته است به نحوی که همخوانی متوازنی از علم و هنر در کالبد کبوترخانه‌ها پدیدار شده است.

تجهیزات دفاعی کبوترخوان:

هرکبوترخان مانند یک دژ نظامی باید در برابر همه دشمنان کبوتر که تعداد آنها کم هم نیستند، مقاوم و نفوذناپذیر باشد این نفوذناپذیری نه تنها باید قوش، قرقی، جغد، کلاغ، گریه و روباه و تاحدی آدمیزاد را دربرگیرد، بلکه مار و موش را نیز شامل گردد. موش اگرچه مستقیماً دشمن کبوتر به شمار می‌رود اما با عمل کانال سازی خود در زیر پی‌ها، می‌تواند از طریق زیرزمین راه را برای ورود مار به داخل کبوترخانه‌ها فراهم آورد.

افزون بر این، ساختمان کبوترخانه باید چنان محکم و ضد تشدید (رزنانس) بنا گردد که در مقابل ارتعاشات و زلزله تشدید یابنده‌ای نه از ارتعاشات پوسته زمین بلکه از پرواز همزمان و دسته جمعی گاه بیش از چهارده هزار کبوتر، در اثر برخاستن صدا و یا رسیدن کبوتران و...، مقاوم باشد. از این‌رو، شاید کبوترخانه‌های ایران نخستین ساختمان‌های ضد زلزله جهان باشند، و جا دارد از این نظرگاه توسط اهل فن مورد توجه و مطالعه قرار گیرند.

برای پیشگیری از ورود پرندگان مزاحم و مهاجم به کبوترخان، در کبوترخانه‌های ایران و به ویژه در نمونه‌های گلپایگان و خمین، لانه‌های ورودی کبوتر («کبوتررو») کاملاً حساب شده و گاه به وسیله تنبوشه‌هایی استاندارد، بنا شده‌اند. چنانچه کبوتررو کمی بزرگتر از حد معمول باشد، سایر پرندگان شکاری و مزاحم به کبوترخانه رخنه می‌یابند و اگر این تنبوشه‌ها از حد معمول کوچکتر باشند، کبوتران بزرگتر قادر بر ورود راحت در آن نخواهند بود.

برای جلوگیری از بالا رفتن گریه و مار، در برج‌های مدور به شیوه اصفهان از نوار و یا نوارهایی از گچ در کمر برج و در نمونه‌های خمین، گلپایگان و خوانسار علاوه بر این نوار، از فرورفتگی‌هایی در

اصفهان اثر میرزا حسن خان جابر است که در یک سطر به مناسبتی از اجاره کبوترخانه‌ها سخن به میان می‌آورد. (۶)

اهمیت کبوترخانه‌ها در اقتصاد کشاورزی ایران چنان بوده که غازان‌خان مغول در کنار سایر اقداماتی که برای احیای کشاورزی ایران انجام داده، فرامینی جهت حفظ و نگهداری کبوتران و کبوترخانه‌ها صادر کرده است. وی بازرداران و دیگر عمده دولت را از اینکه کبوتران را از روستاییان بگیرند منع و قدغن کرده است که هرچا برج کبوتری وجود دارد دام نگذارند:

«... و پادشاه اسلام چون قوشجیان را از گرفتن کبوتر و مرغ مردم منع فرموده و آنرا در وجه طیور خاصه معین گردانید... و نیز حکم یرلیغ (۷) روانه فرمود تا هرکجا که برج کبوتری باشد، صیادان البته دام نهند.» (۸)

اهمیت اقتصادی و منزلت کبوترخانه‌ها چنان بوده که در عصر صفوی اجازه ساخت آنها حتی به ایرانیان غیر شیعه داده نمی‌شده است:

ژان شاردن سیاح مشهور فرانسوی می‌نویسد:
«کلیه کسانی که مایل به داشتن کبوترخان باشند به استثنای سکنه‌ای که متدین به مذهب رسمی کشور نیستند، می‌توانند آنرا بسازند... فقط مالیات کود می‌پردازند.» (۹)

هماهنگی علم و هنر در معماری شگفت‌آور کبوترخانه‌های ایران:

کبوترخانه‌های ایران از نقطه نظر بزرگی، گنجایش فوق‌العاده، دارا بودن اشکال متنوع و گوناگون بیرونی، شکل بسیار تکامل یافته و نظام گرفته و خیال‌انگیز فضاها داخلی که به مراتب پیچیده‌تر و زیباتر از شکل ظاهری و بیرونی است، واجد وجوه استثنایی است. برای اعتلای کارکرد کبوترخانه‌ها علوم و

(۱)- بر پایه کارهای میدانی نویسنده و سفارش اطلاعات به دانشجویان درس مردم شناسی و جامعه شناسی روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

(۲)- آندره گدار، یادگار، ماکسیم سیرو و... آثار ایران، جلد سوم: ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم. انتشارات آستان قدسی. ص ۶۳.

(*)- از خوانندگان آگاه خواهشمندم که به شیوه مرضیه یاریگری اگر اطلاع و یا اسنادی از دیرباز تا امروز درباره کبوترخانه‌های ایران در اختیار دارند، آنرا به نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۷۴۴۵/۱۴۷ با نویسنده این مقاله در میان نهند تا با به نام خودشان در کتاب «کبوترخانه‌های ایران» استفاده شود، انشاءالله.

منظور ما از اسناد کبوترخانه‌ها، قباله‌های خرید و فروش، اجاره نامه‌ها، سیاهه حرج ساخت و با تعمیر و شکایاتی با نام و اشاره به کبوترخانه‌ها و یا شکایاتی بر سر آنها و یا وقف‌نامه کبوترخانه‌های وقفی، کبوترخانه‌های امامزاده‌ها و غیره است.

(۳)- نویسندگان دقیقی از قدیم و جدید مانند:

الف- مفضل بن سعد بن الحسینی الصافروخی الصفهانی: محاسن اصفهان. به تصمیم و کوشش سیدجلال الدین تهرانی، تهران، بی تاریخ، شرکت نسبی اقبال و شرکاء.

ب- محمد مهدی بن محمد رضا الصفهانی: نصف جهان فی تعریف الصفهان، به تصمیم و تحشیه منوچهر ستوده. تهران، ۱۳۶۸، امیرکبیر.

ج- لطف‌الله هنرفرا: اصفهان. تهران، ۱۳۵۶، کتاب‌های جیبی.

د- لطف‌الله هنرفرا: اصفهان در دوره جانشینان تیمور. تهران، ۱۳۵۵، انتشارات حمه هنر و مردم.

هـ- ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی: آثار ملی اصفهان. تهران، ۱۳۵۲، انتشارات انجمن آثار ملی.

و- عباس بهشتیان: بخشی از گنجینه آثار ملی اصفهان، ۱۳۴۲، بی‌ناشر.

«... اگر سر او (خفاش) را در برج کبوتران اندازند، در آن برج الفت گیرد و از آنجا نرود» (۱۸)

در کتاب نوادالتبا در لتحفه البهادر آمده: «سرگرگ در برج کبوتر بیایزند گربه آنجا نرود» (۱۹)

گذشته از این در مناطقی که آب فراوان و زمین کشاورزی نایاب بوده است مانند کناره‌های زاینده‌رود و نهرهای منشعب از آن (مادی‌ها)، معماران مهندس و ریاضی‌دان ایرانی کوشیده‌اند در مکان‌هایی که برای رفت و آمد و پرواز کبوتران مشکلی فراهم نیابرد، برای اعتلای سطح آشیانه‌سازی از طریق افزایش سطح نسبت به حجم بالاترین استفاده از فضای موجود را به عمل آورند. در نتیجه با ساختن کبوترخانه‌های تودرتو و مضاعف، دو یا چند کبوترخانه را در یک کبوترخانه قرار دهند. این کار در عین حال به مقاومت بنا در مقابل عوامل ویرانگر و از آنجمله زلزله و زرناسن برخاسته از بال‌زدن یکباره کبوتران افزوده و بالاخره به عایق‌سازی آن در برابر گرما و سرما مدد می‌رساند. (۲۰)

علاوه بر موارد فوق، تعدد طبقات و اطاق‌های داخل کبوترخانه‌ها ساخت و تعمیر این ابنیه را تسهیل می‌نماید. (۲۱)

در کبوترخانه‌های خمین و گلپایگان که با شیوهٔ اصفهانی تفاوت چشمگیر و کلی دارد، برای جلوگیری از ویرانی کبوترخانه در برابر امواج تشدید یافته در اثر بال‌زدن یکبارهٔ کبوتران (به ویژه آنکه در این گونه کبوترخانه‌ها همهٔ این امواج یک کاسه می‌شود) دیواره‌های جانبی کبوترخانه با تیرهای چوبی زیادی به یکدیگر کلاف شده‌اند. (۲۲)

به طور کلی به هنگام احداث کبوترخانه‌ها، افزون بر مسأله تأمین امنیت و آرامش کبوتران که در درجهٔ اول اهمیت قرار داشته است، به علایق و نیازمندی‌ها و در یک کلمه به آسایش آنها نیز توجه بسیار شده است. محل استراحت و نشستگاه‌هایی در خارج و داخل کبوترخانه تعبیه شده که از نظر گرما و سرما در تابستان‌ها بادگیر و خنک و در زمستان‌ها گرم و از وزش بادهای سرد در امان باشد، در مناطق خشک و کم‌آب اگر کبوترخانه به آب‌های جاری

نیش‌های مکعب مستطیلی کبوترخانه‌ها و گاه تمهیدات دیگر استفاده می‌کنند. رنگ سفید نوار و نوارهای گچی علاوه بر زیبایی، به جلب کبوتران کمک می‌نموده است. احیاناً به مرور کبوتران چاهی نیز نسبت به این رنگ بازتاب شرطی از خود نشان داده‌اند. نصب تلهٔ مارگیر که خود به تنهایی ابداع خلاقانه‌ای به شمار می‌رود در کبوترخانه‌های خمین، (۱۰) گلپایگان و خوانسار نیز رایج بوده است. امروزه در فن‌آوری‌های کشاورزی، برای دفع آفات، فکر استفاده از بو و هرمون برای راندن و یا به دام انداختن حشرات مطرح شده است. اکنون دانسته شده است که جانوران برای برقراری ارتباط بین افراد گونه خود و حتی با گونه‌های دیگر از مواد شیمیایی خبردهنده، مثل «آلومن‌های» (Allomones) دورکننده و فرار دهنده استفاده می‌کنند. (۱۱)

در گذشته از این فکر برای فرار دادن برخی از دشمنان کبوتر استفاده می‌شده است. برای مثال در کبوترخانه‌ها از بوی برخی جانوران مانند گرگ، کفتار و بوی برخی از گیاهان مانند کندر و سداب استفاده می‌شده است. در برخی از روستاهای گلپایگان و خمین سرگرگ و کفتار را در کبوترخانه می‌گذاشته‌اند. برای نمونه در رباط ابولقاسم گلپایگان تا همین چند سال پیش سر کفتاری در یکی از کبوترخانه‌های آن محل وجود داشته است. (۱۲)

در کتاب عجایب المخلوقات طوسی مربوط به قرن ششم آمده است:

«... کبوتر را حلبه (۱۳) و زیره و تانخواه (۱۴) سود دارد، کندر نه (کندر، کندرو) در برج وی بسوزانند سود دارد... اگر چند دستهٔ «سداب» (۱۵) در برج نهند، دله و گریه و مار از آن گریزد» (۱۶).

در کتاب عجایب المخلوقات قزوینی مربوط به قرن هفتم در ذیل «ذلق» (دله) آمده است:

«دلق حیوانیست او را دله خوانند وحشی بود و هرگز دست‌آموز نشود و به گریه مانند... و دشمن کبوتر بود و در برجی رود و یکی را رها نکند... اگر موی او را در خانه کبوتر دخان (دود) کنند همه بگریزند...» (۱۷)

در همین کتاب در ذیل خفاش آمده است:

ز- مجهول‌المولف : نگاهی به اصفهان و بناهای تاریخی آن. انتشارات شورای مرکزی جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی در ایران.

(۴) - برای نمونه یک به : اصفطلامینا، تحلیلی از ویژگی‌های منطقه‌ای در ایران (مطالعات نمونه اصفهان). تهران، ۱۳۵۳. انتشارات دانشگاه تهران.

(۵) - سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ (فرهنگ آبادیهای کشور. استان اصفهان): تهران، ۱۳۶۹، مرکز آمار ایران.

(۶) - میرزا حسن خان انصاری : تاریخ اصفهان (بخش نخست) به اهتمام جمشید سروشیان، اصفهان، ۱۳۵۸، ص ۶۴.

(۷) - برلیغ واژه‌ای است مغولی و به معنای فرمان. فرمان پادشاه، فرمان مکتوب پادشاه. (شمس شریک اسپینی : فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول. تهران، ۱۳۵۷، فرهنگستان ادب و هنر ایران، ص ۲ و ۲۶۳).

(۸) - رشیدالدین فضل‌الله : تاریخ مبارک غازانی، به تصحیح و اهتمام کارل یان. هرتفورد، ۱۳۵۸ هجری (۱۹۴۰)، ص ۳۴۸.

(۹) - ژان شاردن : سیاحتنامه شاردن، ترجمهٔ محمد عباسی. تهران، ۱۳۵۰، امیرکبیر، جلد چهارم ص ۱۲۳.

(۱۰) - دربارهٔ این تله تک به :

مرتضی قزقادی : «کبوترخان»، کتاب روستا، ش ۵ (تیرماه ۱۳۴۸)، دانشرایعالی سپاه دانش، ص ۲۹ و ۳۰. و بسا در نامه کمره، جلد دوم، فضل اول کبوترخانه‌های کمره، تهران، ۱۳۶۹، امیرکبیر.

(۱۱) - تک به :

مرتضی اسماعیلی : «فرومن‌های جنسی و مبارزه با آفات»، ماهنامهٔ سینه، ش ۱۴ (آذرود ۱۳۶۸)، ص ۴۸.



- پشت بام کبوترخانه مزرعه چهاربرج اصفهان



- دو برج در مزرعه چهاربرج اصفهان

(۱۲) - کار میدانی نگارنده.

(۱۳) - حلیه: شنبلید، شنبلید (لغت نامه دهخدا).

حرف «ح» ص ۷۷۳.

(۱۴) - نانخواه: سیاهدانه، سیاه تخمه (همان منبع).

حرف «ن» ص ۲۷۳.

(۱۵) - گیاهی است از تیره سداییان (روتراسه). در

تنکابن و دیلم پیم گویند. همان منبع. حرف س. ص

۳۶۷.

(۱۶) - محمد بن محمود احمد طوسی: عجایب

المخلوقات، به کوشش منوچهر ستوده. تهران،

۱۳۴۵، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ص ۵۲۲.

(۱۷) - زکریایان محمد بن محمود المکمون القزوینی:

عجایب المخلوقات، به تصحیح و مقابله نصرالله

سبحی. تهران (بی تاریخ)، کتابفروشی مرکزی. ص

۴۱۴

(۱۸) - همان منبع. ص ۲۵۳.

(۱۹) - شمس الدین محمد ابن امین الدین ایوب

دینسری: نوادر التیادر لتحفة البهادر، به کوشش

محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار. تهران، ۱۳۵۰،

بنیاد فرهنگ ایران.

(۲۰-۲۳) - کار میدانی نگارنده (مشاهده، مصاحبه و

استدراک)

(۲۴) - سفرنامه ابن بطوطه: ترجمه محمد علی

موحد، جلد اول. تهران، ۱۳۵۹، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب. ص ۱۱۲

(۲۵) - ژان شاردن: همان منبع، جلد چهارم. ص

۱۲۲ و ۱۲۳.

(۲۶) - رف. «کبوترخانه های اصفهان». دانستنیها،

سال دوم، ش ۴۵. ص ۱۲.

(۲۷) - سفرنامه اوژن فلاندن به ایران: ترجمه

حسینی نور صادقی. تهران، ۱۳۵۶، انتشارات اشراق.

ص ۶۲۸.

(۲۸) - جرج ن. لرد کرزن: ایران و قضیه ایران، جلد

دسترسی نداشت در وسط آن چاهی را به آب رسانیده و جایگاهی برای آبشخور کبوتران می ساختند. در این بناها زیبایی و عملکرد چنان بهم آمیخته اند که از یکدیگر جدایی ناپذیر به نظر می آیند. در احداث آن از علمی همچون فیزیک، توجه به اصل تشدید (رزنانس)، هندسه و ریاضیات برای به حداکثر رسانیدن سطحی در حجمی ثابت، جانورشناسی، روانشناسی جانوری در ایجاد تجهیزات دفاعی کبوترخان، و تمهیدات مکانیکی، بیولوژیکی و شیمیایی برای مبارزه با دشمنان کبوتر، آب و هواشناسی، گیاهشناسی و غیره استفاده شده است. (۲۳)

- درون کبوترخانه های سبک گلپایگان - خمین - خوانسار



نظر برخی سیاحان و سفرنامه نویسان درباره کبوترخانه های اصفهان:

سیاحان بسیاری به کبوترخانه های ایران اشاراتی کرده اند که ما در این جا تنها به نقل برخی از آن نوشته ها می پردازیم. تا حد اطلاع ما اولین سفرنامه نویسی که درباره کبوترخانه های ایران سخن به میان آورده است، ابن بطوطه مراکشی است. وی در حدود پنج قرن قبل (۴۷۷ سال پیش) در سفر طولانی خود کبوترخانه ها را بین راه قریه «فیلان» و اصفهان دیده است:

«فیلان، قریه بزرگی است که روی رودخانه عظیمی ساخته شده و در کنار آن مسجد بسیار زیبایی وجود دارد... آن روز را نیز از وسط باغ ها و آب ها و دیه های زیبا که برج های کبوتر زیادی داشت، به مسیر خود ادامه دادیم و پسین روز به اصفهان رسیدیم». (۲۴)

حدود دو قرن بعد شاردن فرانسوی با دقت زیادی به این مسأله می پردازد. در میان سیاحانی که در قرن هفدهم به ایران آمده اند «ژان شاردن» بیش از دیگران به شناسایی دقیق از ایران نایل آمده است. او یک جلد از ده جلد سیاحتنامه خود را به اصفهان پایتخت آنروز ایران، اختصاص داده است و همانطور که خود گفته: اصفهان را بهتر از پاریس می شناخته است. در مورد مسایل کشاورزی و اهمیت کودورزی در اقتصاد کشاورزی ایران و هم چنین کبوترخانه های اصفهان شرح او دقیق تر از دیگر سیاحان است:

«در کلیه نواحی امپراطوری ایران کبوترهای اهلی و وحشی وجود دارد؛ ولی کبوتر وحشی به مقدار بسیار کثیری مشاهده می شود و چون فضلۀ این پرندۀ برای خربزه زار کود بسیار خوبی به شمار می آید، در سرتاسر کشور با مواظبت و دقت شایان توجهی تعداد عظیمی کبوتر پرورش داده می شود.

من عقیده دارم که ایران مملکتی است که بهترین کبوترخانه های جهان در آنجا ساخته می شود. تصویری از اینها را به دستور من کشیده اند... این کفترخانه های عظیم شش بار بزرگتر از بزرگترین پرورشگاه های ما (فرانسویان، اروپائیا) است. اینها را

از آجر بنا می کنند و رویش گچ و آهک می کشند و در تمام سطوح داخلی دیواره بنا از بالا به پائین سوراخ هایی احداث می کنند، تا کبوتران در آنها آشیانه نمایند... به استثنای سکنه ای که متدین به مذهب رسمی کشور نیستند، می توانند آنرا بسازند...

در حوالی اصفهان بیش از سه هزار کبوترخان می شمارند، و تمامی اینها چنانکه من دیده ام بیشتر برای تحصیل کود ساخته شده است. نه برای پرورش و تغذیه کبوتران.

ایرانیان فضلۀ این پرندۀ را «چلغوز» می نامند که به معنی محرک و مقوی می باشد دوازده لیور این کود را بیک بیستی (Bisty) می فروشند که معادل تقریباً چهار «سو» (Sou) است از این بابت مالیات مختصری به شاهنشاه پرداخت می شود...». (۲۵)

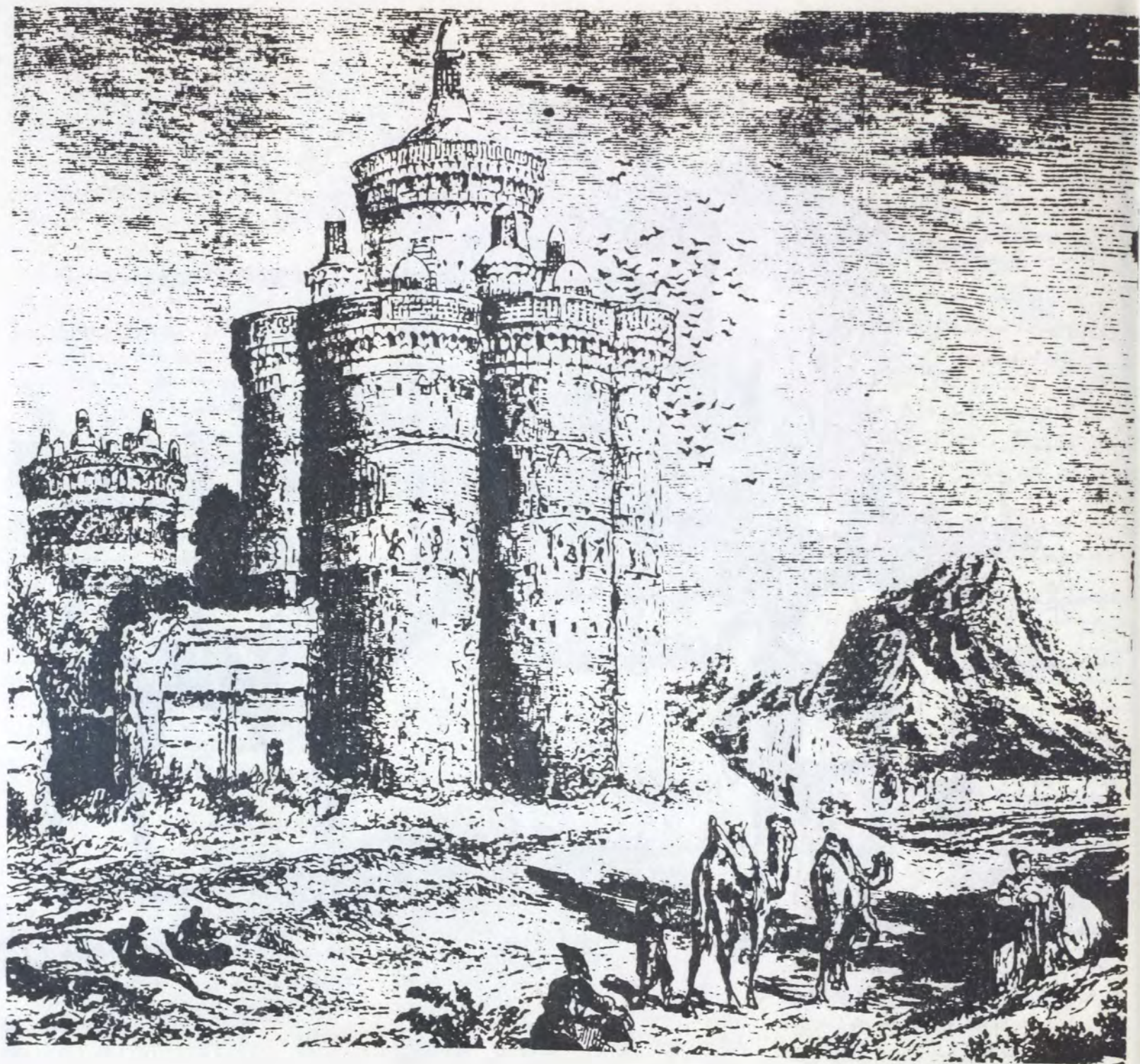
لازم است بدانیم که از کود کبوتر تنها در کشت خربزه استفاده نمی شو و میوه های پرنرنگ و بو و خوشمزه ایران و اصفهان هریک به اندازه ای مدیون این کبوترخانه ها بوده اند، که در جایی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

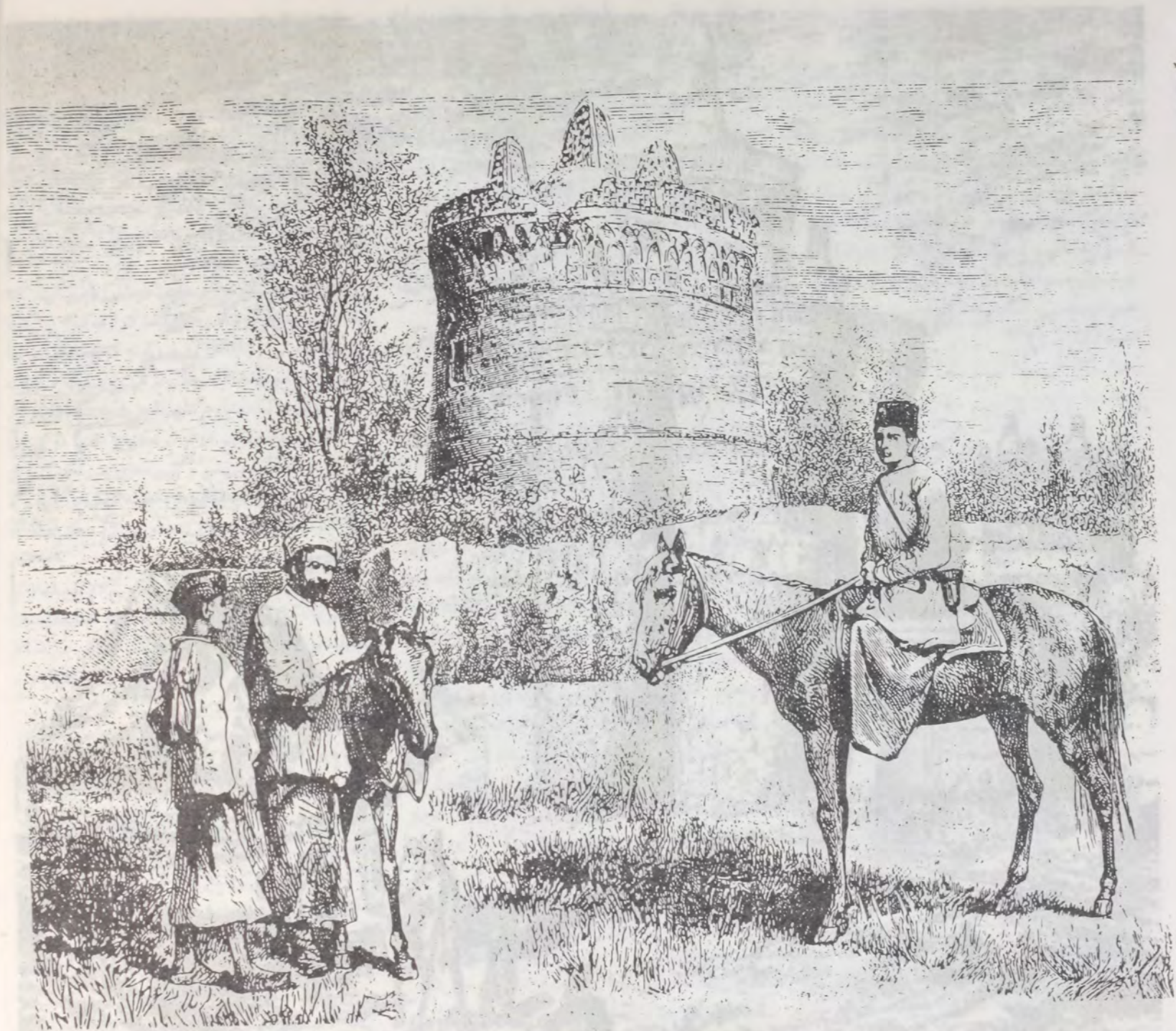
«توماس هربرت» درباره مردم اصفهان و کبوترخانه های آن می نویسد: «اگرچه خانه هایشان نظیف بود، ولی به هیچ وجه قابل قیاس با خانه کبوترانشان (برج های کبوتر) که ظاهری عجیب دارند نبود...». (۲۶)

«اوژن فلاندن» که در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۱۹-۱۲۲۱ ه.ق.) به ایران سفر کرده می نویسد: «مابین جلفا و خرابه ها، چندین برج یافت می شود. این برج ها انسان را به خود جلب می دارند... خیلی بزرگ، محکم و قشنگند». (۲۷)

«کرزن» می نویسد: «در حوالی شهر اصفهان جالب ترین چیزی که دیده می شود، عدۀ زیادی برج گرد با منارۀ کوچکی است که بر رأس آن ساخته اند...». (۲۸)

«مریت هاکس» می نویسد: «مسافرت در میان کوه های بلند و روشن و عبور از صحراهای زیبا و کوچک و گذشتن از دشت های زرد و سبز، دل انگیز است. دهکده های دوردست از برکت وجود درختان





کیوترخانه‌ی اصفهان از دیدگاه سیاحان

با طراوت بودند. برج‌های کبوتر خانی که از مختصات این منطقه از ایران است عجیب و جالب می‌نمود...» (۲۹)

فرد ریچاردز عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان در حدود هفتاد سال پیش می‌نویسد: «یکی از برجسته‌ترین و شگفت‌انگیزترین چیزها، در حول و حوش اصفهان؛ برج‌های گرد و بلندی است که قسمت فوقانی آنها دارای برج‌های زیبا و دل‌انگیزی می‌باشد...» (۳۰)

آرتور پوپ ایران‌شناس معروف نیز در کتاب «هنر و معماری ایران» دربارهٔ کبوترخانه‌های اصفهان می‌نویسد: «دورنمای پیرامون توابع اصفهان هنوز با مناظر بدیع دورتادور آبادی شهر منقوط است (برج‌های کبوتر) همانند تاجی است که با کنگره‌ها و قبه‌های گلفه‌شنگی (۳۱) و آراسته و تزئین شده باشد... از نظر آرایش هنگامی که از نزدیک دیده شوند کمی متروک، ولی با فاصله‌ای نه چندان زیاد، یک دورنمای باشکوه دارند...» (۳۲)

«الیزابت بیزلی» (۳۳) می‌نویسد: فقط ساختمان جسمی و دلفریب و شاهکاری که در داخل این برج‌ها به کار رفته ارزش و اهمیت آزاد دارند که هیئت‌هایی برای دیدن آنها به اصفهان بیایند. حتی اگر سلجوقیان و شاه‌عباس‌کبیر هم ساختمان‌هایی در این شهر باشکوه و جلال برپا نکرده بودند...» (۳۴)

باهمه این تعاریف و با وجود اینکه برخی از این کبوترخانه‌ها به اندازه یک ساختمان چهار و یا پنج طبقه بلندی داشته و تعداد آشیانه‌های آنها به بیش از ده‌هزار می‌رسد و کارساخت آنها امروزه با میلیون‌ها تومن پول و سال‌ها وقت و با مهندسی مهندسان ایتالیا رفته‌ها مسیر نیست همگی به سرعت رو به نابودیند.

هائری رنه دالمانی می‌نویسد: «در پاره‌ای از این برج‌ها چهارده هزار کبوتر به راحتی می‌توانند زندگی کنند...» (۳۵) تازه این گنجایش برج‌های معمولی‌تر اصفهان است. در اصفهان و در مزرعه چهار برج آن کبوترخانه‌ای است که مرکب از بیست و پنج برج در داخل یک کبوترخان و بیش از ده هزار آشیانه کبوتر



دو برج در مزرعه چهار برج اصفهان

است که می‌تواند بیش از چهل هزار کبوتر و جوجه کبوتر را همزمان در خود جای دهد. این کبوترخانه با وجود سالمی نسبی آن به خاطر مراقبت‌های انجام شده در بهار سال ۱۳۷۱ بجز کبوتری که احياناً به وسیله قوش یا قرقی، تازه در آن کشته شده بود، حتی یک کبوتر نیز وجود نداشت. (۳۶)

این کبوترخانه‌ها که می‌توانستند در سطح کشور سالیانه به اندازهٔ صدها کارخانه عظیم کود شیمیایی که کار آنها در نهایت و در درازمدت و جز متحجر کردن زمین و مسموم کردن خاک و آب و زندگان روی زمین از گیاه تا انسان نیست، (۳۷) کود آلی عالی غیرقابل جایگزینی حتی با کودهای حیوانی تهیه نمایند. (۳۸)

دوم، ترجمه غ. وحید مازندرانی تهران، ۱۳۵۰، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ص ۳۲.

(۲۹) - مریث هاکس : ایران، افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران)، ترجمه محمد حسین نظری نژاد، محمد تقی اکبری، احمد نمائی. مشهد، ۱۳۶۸، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی. ص ۱۶۹

(۳۰) - فرد ریچاردز : سفرنامهٔ فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا. تهران، ۱۳۴۳، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ص ۷۳

(۳۱) - گلفه‌شنگ، آبی که در فروریختن از جای بلندی یخ بسته باشد، مانند یخ زیر ناودان (لغت‌نامه دهخدا. حرف «گ». ص ۳۸۱).

(32) - Arthar upham pope, p. 1200.

(33) - Elisapeth Beazley

(۳۴) - رضا عرفان، با همکاری باقر آیت الله زاده شیرازی و عباس بهشتیان : آثار باستانی گننام اصفهان. بدون تاریخ. ص ۱۴، ادارهٔ کل اطلاعات و جهانگردی استان اصفهان. ص ۱۴

(۳۵) - هانری ندالمانی: سفرنامهٔ از خراسان تا بختیاری، ترجمهٔ فره‌وشی. تهران، ۱۳۳۵، امیرکبیر - ابن سینا. ص ۹۹۸.

(۳۶) - کار میدانی نگارنده.

(۳۷) - در این مورد نک به :

دیل چارتز و اوژان والتر : بحران جهانی کشاورزی، ترجمهٔ مهندس پرویز چایچی. تهران، ۱۳۵۴، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

(۳۸) - نک به جدول مقایسه ترکیبات مواد غذایی کودهای دامی و انسانی در : مهندس رحمت الله شیبانی : کود و طرز استعمال آن. تهران، ۱۳۲۸، بنگاه شیمیایی.

جز این در آمد اقتصادی آنها می توانستند درآمدی اگر نه به اندازه چاه های نفت ما اما بسیار دیرپای تر از آن تنها از طریق بازدید سیاحان و جهانگردان برای ما داشته باشند.

اگرچه کبوترخانه های ایران از جنبه های گوناگون تاریخی، تاریخ علم و اقتصاد کشاورزی، فرهنگی به ویژه هنری و معماری دارای اهمیت فراوان هستند. اما متأسفانه تاکنون هیچ کاری در خور عظمت آنها انجام نشده است.

هر روز که می گذرد گویی برجی از این برج ها در اثر بی توجهی اخلاف سازندگان و دارندگان کبوترخانه ها و پشت کنندگان به میراث فرهنگی ارزشمند خویش و فرهنگ بومی دوران پیش که کبوتران چاهی را حمایت می کرد و شکار آنها را بدشگون می دانست، پای در گل به نوحه جفدان جامه بر تن می درند و هر از چند گاهی یکی از آنها با نعره ای بر زمین می غلطند.

پیشنهادهای به سازمانها و وزارتخانه های ذیربط

لازم است تا پیش از این دیر نشده باشد، اندیشه ای برای بازمانده این کبوترخانه ها به عمل آید. نویسنده این سطور که بیش از ربع قرن است که از دور نزدیک شاهد مسایل و مشکلات و ویرانی پیگیر و روزافزون کبوترخانه های ایران است پیشنهاداتی را به مسئولین امر وزارتخانه ها و سازمان های که ماهیتاً ذیربط با کبوترخانه ها هستند ارائه می دهد.

مخاطب ما در این مورد در قدم اول سازمان حفظ محیط زیست، و در قدم بعدی وزارتخانه های کشاورزی جهاد سازندگی، ارشاد اسلامی، (معاونت امور سیاحتی و زیارتی) و سازمان هایی نظیر میراث فرهنگی کشور، معاونت سیاحتی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی و دانشکده های باستان شناسی، معماری و از این قبیل است.

۱- شرط اول قدم: متأسفانه اغلب در گذشته کار سازمانها و وزارتخانه های ما، کپی برداری از برنامه های کشورهای مرجع بوده که طبیعتاً این امر مسائل خاص خود را بهمراه داشته است. اینک لازم است تا نسل کبوتران چاهی ایران به طور کلی نابود نشده است سازمان حفاظت محیط زیست این پرند بومی را که سرتاسر کشور پهناور ایران زیستگاه طبیعتش بوده است (۳۹) و جهانیان آنرا نشانه صلح و آشتی میشناسند و به درستی هم بی آزارترین پرندۀ روی زمین است و در روایات اسلامی نیز به عنوان «مرغان پیامبران»، دعا کرده حضرت نوح (ع) نگاهدارندۀ خانه از بلاها، گریزانندۀ شیاطین، دوست داشتنی، یار مؤمن، انس آفرین و برکت خواهندۀ برای صاحبش توصیف شده، (۴۰) و در فرهنگ عامیانه ایران، پری، خضروراری که ستمدیدگان، عشاق و درماندگان را نجات بخش و راهنما است، خواننده شده. (۴۱) و در تاریخ کشاورزی ما پرندای اقتصادی است و احیاناً برخلاف کبوتران اهلی و تعلیم یافته کبوتربازان، بسیار «رموک» (رمنده و تیزبین) و گریزان از شلوغی و سروصدا است و آزارش حتی به پرندگان غول پیکر فلزین بال باد در تنوره انداز هم نمی رسد را، در کنار «گرگ و گراز» و اگر ما را منع نمی کردند «مار و عقرب»، حفاظت شده اعلام فرمایند. چرا که نابودی کبوترخانه ها در وهله اول به خاطر نابودی و کشتار دسته جمعی کبوتران چاهی بوده که شکار گوساله بسته و شکار شاهانه ای است که نمونه ای از آن را «آدم اولتاریوس» توضیح داده است. (۴۲)

۲- در قدم بعدی، تمامی وزارتخانه ها و سازمان های ذیربط با مسایل کشاورزی، فرهنگی، محیط زیست و جهانگردی در سطوح بالا با یکدیگر همکاری و همفکری مستمر در جهت شناسایی و شناساندن اهمیت و نقش کبوترخانه ها، و برنامه ریزی برای حفظ و احیاناً ترویج آن به عمل آورند.

۳- از سوی سازمانها و وزارتخانه ها یادشده در بالا، تا افزوده شدن به شمار کبوتران که دلیل اصلی ویران کبوترخانه هاست، هر ساله به صاحبان برجها

مبلغی در خور که کارشناسان برآورد خواهند کرد. عنوان هزینه نگهداری این بناها پردازند.

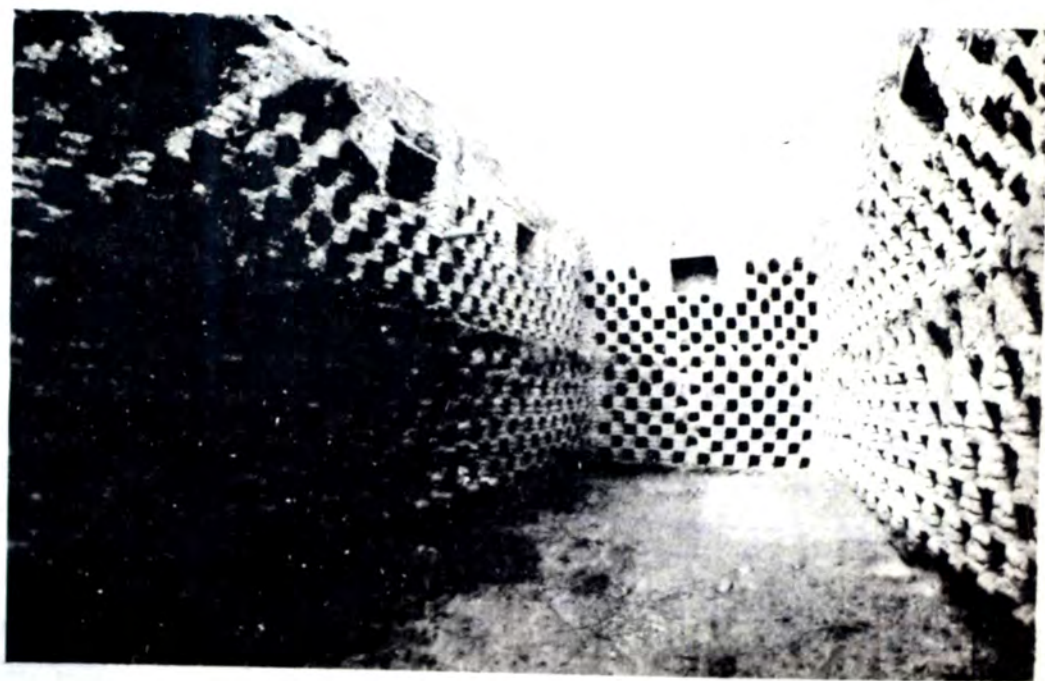
۴- اغلب این کبوترخانه ها که اماکنی تاریخی اند و بین یک تا چند قرن قدمت دارند، توسط سازمان میراث فرهنگی کشور با کمک مراکز علمی دست اندرکار رشته های باستان شناسی و معماری مورد شناسایی قرار گیرنده تا نمونه هایی که از نظر قدمت تاریخی و معماری جالبتر هستند مورد حفاظت، مرمت و احیاء قرار گیرند.

۵- وزارتخانه هایی که دست اندرکار مسایل کشاورزی و ترویج آن هستند، از تبلیغ بی امان کودهای شیمیایی که غالباً نیز به شکل و شیوه بی حساب و کتاب از آنها استفاده می شود دست بردارند. چرا که امروزه هر کشاورز روستایی ما بر اهمیت چنین کودهائی پی برده است و حالا دیگر روزگار تعمیق کار کودورزی در ایران است و نه تبلیغ کودهای شیمیایی که در شرایط فعلی عرضه آن کمتر از تقاضای آن است. اینک باید به روش های کار آمد کودورزی سنتی (۴۳) و از روی آورد و در کنار کاربرد روی «کرمخانه» ها (کرم پروری برای استفاده از کود آنها) و از این قبیل تبعات که در جای خود جای سپاسگزاری هم دارد کمی هم به کبوترخانه ها پردازند. به قول قدیمی ها: «از راه برو، بیراه مرو هر چند که راهت دور با (باشد)». (۴۴)



برون کبوترخانه‌های سبک گلپایگان، خمین، خوانسار

- داخل کبوترخانه درشهابیه خمین



(۳۹) - نک به :

درک اسکات، حسینی مروج همدانی، علی ادهمی
میرحسینی : پرندگان ایران. تهران، ۱۳۵۴، سازمان
محیط زیست ایران. ض ۱۸۷ و ۱۸۸ و صفحه ۳۷۲
نقشه ۱۴۰.

(۴۰) - نک به :

علامه مجلسی : حلیة العقیقین، فصل «در نگاهداشتن
حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر و خروس». و.
علامه مجلسی : بحارالانوار، جلد چهاردهم، ترجمه
محمد باقر بهبه‌دی. تهران، ۱۳۵۲، کتابفروشی
اسلامیه. ص ۲۵۷-۲۶۷

(۴۱) - مرتضی فرهادی : زمینه‌های فرهنگی پیدایش
کبوترخانه‌ها در ایران دستنوشته.

(۴۲) - نک به :

آدام اولتاریوس : سفرنامه اولتاریوس، ترجمه احمد
بهپور. تهران، ۱۳۶۳، سازمان انتشاراتی و فرهنگی
اینگار. ص ۳۷۱.

(۴۳) - نک به :

مرتضی فرهادی. «شیوه‌های سنتی بهورزی زمین در
کشاورزی ایران». ماهنامه سنله. ش ۶۰-۶۶
(اردیبهشت - آذر ۱۳۷۳).

(۴۴) - برای مثال نک به :

پرویز مهاجر میلانی : «کرم‌های زیاده خواره». ماهنامه
زیتون. ش ۴۷ (تیرماه ۱۳۶۴) ص ۵۸-۵۹.